

هرگز فراموش نشوید/ گروه آموزشی دیل کارنگی؛ مترجم بهار صادقیان.

تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۶.

۳۲۰ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۸۴۰-۲

فیفا

عنوان اصلی: Make yourself unforgettable : how to become the person everyone remembers and no one can resist.

موفقیت

Success

خودسازی

Self-actualization Psychology

روابط بین اشخاص

Interpersonal relations

صادقیان، بهار، ۱۳۶۲ - مترجم

شرکت ورزشی دیل کارنگی

Dale Carnegie Training Inc

۳۷۵۸۳۴۵۸۳۳۹۶

۱۵۸/۱

۲۸۱۴۰۲۳

هرگز فراموش نشوید

نویسنده: گروه آموزشی دیل کارنگی

مترجم: بهار صادقیان

ویراستار: پریش طلابی

صفحه آرا: الهه ایمنی

طراح جلد: ندا ایمنی

بازخوان نهایی: مهسا درویش

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۸۴۰-۲

ISBN: 978-964-236-840-2

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۹ - ۸۸۹۴۲۲۴۷

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



NasleNowAndish

انتشارات نسل نواندیش

https://telegram.me/naslenowandish

فهرست

۱۳.....	مقدمه
۱۷.....	بخش اول. انرژی فراموش نشدنی
۳۱.....	بخش دوم. حفظ شخصیت والا در بحران
۴۳.....	بخش سوم. الهام بخشی به جای تقلید
۵۹.....	بخش چهارم. صداقت همراه با احترام
۷۳.....	بخش پنجم. گوش دادن: مهارت کلیدی ارتباط
۸۳.....	بخش ششم. توانایی احساسات
۱۰۳.....	بخش هفتم. حفظ شخصیت والا و اعتماد به نفس
۱۲۳.....	بخش هشتم. کدوم به هم
۱۳۷.....	بخش نهم. ایجاد اعتماد به نفس گروهی
۱۵۱.....	بخش دهم. مدیریت هیجانات
۱۵۹.....	بخش یازدهم. صبوری با هدف
۱۷۷.....	بخش دوازدهم. بینشی فراتر از عقل
۱۹۳.....	بخش سیزدهم. بازپروری بدون حسرت
۲۱۳.....	فصل چهاردهم. قدرشناسی فراتر از آسایش
۲۳۳.....	بخش پانزدهم. شجاعت نقطه مقابل ترس
۲۵۳.....	بخش شانزدهم. پول و شخصیت والا
۲۸۱.....	بخش هفدهم. نگران نباش، شخصیت والا داشته باش!
۳۰۱.....	بخش هجدهم. کامیابی، موفقیت و فراتر از آن
۳۱۵.....	سخن آخر
۳۱۹.....	درباره نویسنده

مقدمه

به احتمال زیاد شما با شعر «اگر» که در زیر آورده شده است آشنا هستید. این شعر یکی از بهترین اشعار زبان انگلیسی است و می‌توان گفت حق است آن را «پرطرفدارترین شعر دنیا» بنامیم.

رودیارد کیپلینگ^۱، ال ۱۹۰۹ «اگر» را منتشر کرد. به گفته کیپلینگ این شعر از کردار یک افسر انگلیسی در جنوب آفریقا الهام گرفته شده، اما امروزه این شعر فراتر از زمان و مکان زندگی است. برای شروع کتاب حاضر در مورد قوانین حفظ شخصیت والا و موضوع تابش نشدنی بودن، مقدمه‌ای بهتر از شعر رودیارد کیپلینگ نمی‌یابم. ممکن است هم‌زمان با پیشرفت کتاب بخواهید دوباره آن را بخوانید. در حقیقت ممکن است بخواهید پیشرفت کلی روند زندگی‌تان بارها به آن رجوع کنید.

اگر بتوانی آرام بمانی بدانگاه که همه کسان که گرد تو

عقل خود را گم کرده و تو را به سبب آن مقصر می‌شمارند؛

اگر بتوانی به خود اعتماد داشته باشی بدانگاه که همه کسان از تو اعتماد بر گرفته‌اند،

لیکن بی‌اعتمادی آنان را نیز به چشم التفات بنگری؛

اگر بتوانی منتظر بمانی و از انتظار ملول نشوی،
یا چون در حق تو دروغ گویند، گرد دروغ نگردی،
یا چون از تو بیزاری جویند، دل به نفرت نسپاری،
نه به خوبی بسیار جلوه کنی و نه به دانایی بسیار سخن بگویی؛

اگر بتوانی به رؤیایپردازی، بی آنکه رؤیاها بر تو فرمانروا شوند؛
اگر بتوانی مرد اندیشه باشی، بی آنکه اندیشیدن غایت زندگی تو گردد؛
اگر بتوانی با فیروزی و مصیبت روبه‌رو گردی
و این دو شاید را به یک چشم بنگری؛
اگر بتوانی ب شنیدن حقیقتی را داشته باشی که بر زبان تو رفته
و به دست دغا نازان، سرگونه شده تا از آن دامی برای ابلهان سازند،
یا همه آنچه را که زندگی به تو را بر سر آن‌ها نهاده‌ای تباه‌شده ببینی،
و کمر خم نکنی و از بسازنی فرسوده آن‌ها را از نو بسازی؛

اگر بتوانی همه اندوخته‌هایت را در طاعتی گردآوری
و آن را در یک نوبت «بازی شیر و خنجر» به خطر بیندازی،
و از دست بدهی و سپس از نو آغاز کنی چنان که روز نخست کردی
و هیچ‌گاه از باخت خود کلمه‌ای به زبان نآوری؛
اگر بتوانی دل و عصب و رگ خود را بر آن داری
که به خدمت تو پردازند، آنگاه که دیگر از آن‌ها اثری نیست
و بدین‌گونه مقاومت ورزی، بدان هنگام که دیگر هیچ چیز از تو به جای نمانده
مگر اراده که بر آنان بانگ می‌زند: «پایداری کنید!»؛

اگر بتوانی با گروه عوام سخن گویی و فضیلت خویش را حفظ کنی،
یا با شاهان قدم برداری - بی آنکه نزدیکی با خلق را از دست دهی؛

اگر نه دشمنان بتوانند تو را آزردہ کنند و نه دوستان؛
اگر همه آدمیان در چشم تو گرامی باشند، لیکن نه هیچ یک بیش از اندازه؛
اگر بتوانی دقیقه‌ای بی‌امان را گران‌بار کنی
از شصت ثانیه‌ای که هریک سزاوار راهی است که پیموده،
جهان و هرچه در اوست از آن نوست،
و - از این افزون‌تر - تو مرد هستی، ای فرزند من!

این حبیب سیرینی از دنیا نیست. دنیایی که کیلینگ نشان می‌دهد اصلاً جای تفریح نیست. قرار است به شما دروغ بگویند، حیلہ بزنند، سرزنشان کنند، از پشت به شما خنجر بزنند، ناامیدتان کنند و حتی تضمینی نیست که نتیجه مثبت بگیرید. حتی اگر از امام این مشکلات عبور کنید، کیلینگ هیچ اطمینانی نمی‌دهد که به ثروت، سلامت و آگاهی برسید. او تأکید می‌کند که شما به «زمین و هرآنچه در آن است» دست می‌یابید؛ اما این به چه معناست؟ آیا اصلاً کسی «زمین و هرآنچه در آن است» را می‌خواهد؟

به هر حال اگر در این میان چیزی به دست یاورید یا نه، تنها قولی که کیلینگ به شما می‌دهد این است که یک انسان می‌شید یا بهتر بگوییم یک انسان کامل؛ اما همچنان این سؤال مطرح است که مظهر شاعر از «زمین و هرآنچه در آن است» چیست؟ پاسخ به این سؤال به ما کمک می‌کند معنای شخصیت والا را بهتر بفهمیم. اگر انسان بودن جبران همه عذاب‌ها و سختی‌های زندگی خاکی است، پس باید مفهومی والاتر از نوع بشر داشته باشد. در حقیقت مسئله آگاهی است. اگر بادقت این شعر را بخوانیم، می‌بینیم هر بند آن چندین آزمون را شرح می‌دهد که در آن‌ها پاسخ صحیح همیشه سخت‌ترین راه است.

۱. مترجم از ترجمه دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن استفاده کرده است. مجلهٔ یغما، سال سیزدهم، شمارهٔ ۶ شهریور ۱۳۳۹. شمارهٔ پی در پی ۱۴۶. شعر «اگر»، ترجمهٔ محمدعلی اسلامی‌ندوشن.

چرا چنین است؟ تأکید می‌کنیم که هیچ وعده‌ای در مورد نتایج مادی وجود ندارد. فقط کیفیت وجودی شماست که به آن دست می‌یابید و اگر بخواهیم با منطق دنیایی که در این شعر به تصویر کشیده شده پیش رویم، در نهایت هیچ‌کس به جز خودتان نمی‌فهمد که «انسان» هستید.

شاید این آخرین امتحان است که به نظر سخت‌ترین هم می‌آید. نتیجه نهایی حفظ شخصیت والا به حرمت نفس می‌انجامد. انسان‌هایی که شخصیت والا دارند خود می‌دانند دارای شخصیت والا هستند، حتی اگر هیچ‌کس دیگر به این مسئله توجه کند. فریبی می‌گفت: «وقتی هیچ‌کس به تو نگاه نمی‌کند چه شخصیتی باید داشته باشی؟» انسان که در اعماق وجود خویش بتواند پاسخ دهد: «من همانی هستم که رزق دارم، می‌خواهم باشم»، پس به هدفی که موضوع اصلی این کتاب است دست نهایی و باز تأکید می‌کنیم که این ممکن است هدف کل زندگی‌تان باشد، پس با ما همراه شوید.